

# پرچم نماد هزاران ساله

همانطور که میدانید و در چندین کتاب از جمله کتاب احمد کسروی و تارنما های گوناگون و نوشته ها آمده است شیر و خورشید نمادی است که از زمان میترا، پیامبر مهر و دوستی بکار گرفته شده و برای ما مردم ایران بیادگار مانده است. شیروخورشید نگاره بسیار ارزشمندی که قدمت آن به نزدیک چهارصد سال پیش از زایش مسیح میرسد. نمادی که در موزه آرمیتاژ لنینگراد، نگهداری میشود را در اینجا میبینید. همانطور که در این نگاره میبینید ظاهرا خشایارشا ویا اردشیر دوم در حال نیایش، آناهیتا سوار بر گرده شیر ایستاده و خورشیدی هم درگرده شیرتابان را ستایش میکند. میترائیسم که تا قرن ها پس از سرنگونی



برقدهی بسیار ارزشمندی که از سده چهارم پیش از زایش مسیح (۳۰۰ سال پیش) بجای مانده و در موزهی "آرمیتاژ" لنین گراد نگهداری میشود.  
خشایارشا (یا اردشیر دوم) را در حال نیایش، و ستایش "آناهیتا" که سوار بر ظهر است نشان میدهد.

امپراتوری روم تا انگلستان و بلژیک و اسپانیا دین برتر مردم اروپا بود و بعدا به دلایلی سیاسی جایش را با مسیح عوض کرد؛ نیرو و انرژی را از خورشید میگیرد و خورشید را نماد نیرو و قدرت و پاکی میداند. بنابراین شیر و خورشید به هیچ گروه و دسته و قبیله و خاندان و یا بیگانه ای تعلق ندارد و یک مظهر و نماد کاملا ایرانی است. که از دیر زمان به ما ارث رسیده است. هرکسی به میل خویش نمیتواند نماد ملی و هزاره های ملتی را بی ارزش قلمداد کند.

هرکشوری، هر ملتی را با یک (تکرار میکنم یک) نماد ملی و باستانی میشناسند، همانطور که امروز میبینیم تمام سازمان های بین المللی باوجود انزجار اکثریت مردم ایران، از نماد

سیک های هندی و واژه های بیگانه و تازی که بر پرچم سه رنگ تحمیل شده، ایران را با آن نماد ننگین سیک های هندی و واژه های مسخره بیگانه می‌شناسند. درحالی‌که اکثریت ایرگان ایران احترام ویژه ای به پرچم شیر و خورشید می‌گذارد. منظور این است که نمیتوان نماد معرفی شده مردم را به میل خود عوض کرد و یا آنرا به بهانه ای، بی مصرف قلمداد نمود. بنابراین شناخت نماد ملی یک کشور یا ملت به دموکراسی و یا به خواست شخصی و یا اراده گروهی و حزبی مربوط نیست. هرکس در هر مقامی در هر جایگاهی در هر کجا بدون اشاره به نماد ملی هزاران ساله ایرانیان تنها با استناد به دموکراسی نمیتواند پرچم شیر و خورشید ایران را نماد گروه ویژه ای قلمداد کند. ریشه ملی و دیرین این پرچم به خاندان یا گروه ویژه ای ارتباط ندارد.

نماد دیرینه و استفاده شده ایرانی سه چیز بوده است که دو آن در دوران های گذشته تا حدی بی توجه باقی مانده اند یکی شاهین (که در بیشتر کشور های غربی به تقلید از ایرانیان استفاده میشود)، فروهر که به دلیل نسبت داده شدن آن به دین زرتشتی و نا موزونی هائی که موبدان و متعصبین دین زرتشت به جامعه ایرانی تحمیل کردند و موجب شد بدنه نظام پادشاهی ساسانیان در موضع ضعف قرار گرفت و شاید موجبات هجوم اعراب فراهم شد، تاحدی کنار گذاشته شده اند ولی شیر و خورشید که دو نماد بسیار معنی دار ایرانی هستند هرگز کنار گذاشته نشد.

چرا؟

در سال هزارو دویست و هشتادو چهار خورشیدی برابر با هزارو نه سد و شش پارسائی که جنبش مشروطه را مظفر الدین شاه دستینه نهاد در متمم (داتای بنیادی) قانون اساسی شکل درفش به این صورت آمده است:

«الوان رسمی بیرق ایران، سبز، سفید و سرخ و علامت شیر و خورشید است» در این برگه تاریخی از کنار هم قرار گرفتن و اندازه رنگ ها و پهنای درفش سخن بمیان نیامده.

در مجلس یکم شماری روحانی بودند که به پیروی از دین اسلام نگاشتن نگاره ها را نا روا میدانستند. گروهی نو اندیش که شمارشان بسیار بود برآن شدند که نگارند نازش های فرهنگ گذشته پایمال شود. از جمله اینان شادروان ارباب کیخسرو و شاهرخ نماینده زرتشتیان بودند. با رایزنی، برنامه ای حساب شده ریختند و در جلسه مجلس پس از سر آغازی شیوا گفتند:

«همه میدانیم که نود در سد ایرانیان مسلمانند. و رنگ سبز رنگ دلخواه پیامبر اسلام و رنگ دین است. پس بر بالای پرچم جای گیرد.»

زرتشتیان هزاران سال پشت اندر پشت در این سرزمین زاده و زندگی کرده اند در قرآن نیز اشاره ای به این دین شده. رنگ سپید که رنگ ویژه کیش زرتشتی است و همچنین رنگ آشتی و پاکدلی است بیاس بزرگداشت این مردم آزاده در زیر رنگ سبز جایگزین کنیم.

به پاس خون شهیدان راه اندیشه و باور بویژه فرزندان علی و انقلاب مشروطه رنگ سرخ را در آن جای دهیم.

هنگامیکه مجلس کاملاً آماده شد سخن به نشان شیر خورشید می‌گفتد و گفته می‌شود. انقلاب مشروطه در امرداد به پیروزی رسید، ماه امرداد در برج اسد (شیر) جای دارد، از سوی دیگر چون بیشتر مسلمانان ایرانی "شیعه" و پیرو علی هستند و شیر همچنین پیشنامی از نام های علی است و او را "اسد الله" میخوانند بر این پایه شیر را هم که نشانه امرداد و هم نشانه پیشوای یکم است بیادگار به پرچم نقش کنیم.

چون مشروطیت در میانه امرداد به پیروزی رسید و خورشید در این روز در اوج نیرو مندی و گرمای خود است پیشنهاد میکنیم خورشید را نیز بر پشت شیر سوار کنیم که هم نشانه علی باشد هم نشانه امرداد و هم یاد آور روز چهاردهم امرداد و هم نشانه کهن ایرانیان. (نکته در خور توجه اینکه بازیگری به «میترا» و ارتباط آن با خورشید و مهر اشاره نشده تا مبادا روحانیان درون مجلس بر آشفته شوند.) زمانیکه دیدند زمینه مساعد است و مخالفی نیست گفتند حال که شیر را نشانه علی دانستیم باید "ذوالفقار" را نیز به دستش بدهیم.

نمایندگان دور اندیش با شتاب بر اساس اصل پنجم متمم قانون اساسی پیشنهاد و به تصویب رساندند. در این برگه تاریخی اشاره ای به تاج در بالای شیر و خورشید نشده است.

همانطور که می بینید مردم میهن پرست ایرانی برای حفظ نماد ایرانی شیر و خورشید به بهانه و بقولی به «تقیه» متوسل میشوند و آن نماد را حفظ و حراست میکنند. ولی ما امروز به چه کار مشغولیم!؟!

### خمینی و نشان ملی

هنوز یکی دو سه ماه بیشتر از بهمن پنجاه و هفت نگذشته بود که خمینی در یک سخنرانی گفت:

«بیاندازید این شیر و خورشید منحوس (!) را. بیاندازید این علامت شاهنشاهی را (!!).»

بدنبال این سخن نا سنجیده عده ای از هواداران چشم و گوش بسته با چکش نادانی بجان آثار باستانی و ساختمان ها افتادند که مهدی بازرگان زیان چشمگیر را به او گوشزد کرد ولی با وجود کوشش های فراوان و هشدار ها، خمینی باز بر بالای بالکن ظاهر شد و گفت:

«اگر از میان بردن این علامت منحوس (!) شیر و خورشید، هشتاد میلیون هم ضرر میزند - که نمیزند(!) - مانعی ندارد، آنها را از بین ببرید (!!).»

شگفت اینکه علامه طباطبائی از روحانیان دلبسته به خمینی در چامه ای میگوید:

همی گویم و گفته ام بار ها      بود کیش من "مهر" دلداری ها

پرستش به مستی است در کیش "مهر"      برویند زین حلقه هشیار ها

بهین مهر ورزان که آزاده اند      بریزند از جام جان بار ها

در آغاز شورش ۵۷ عده ای که نگران نابودی برگه ها و فرهنگ ملی بودند این علامت را پشت گچ ها و تابلو ها پنهان کردند؛ باشد که روزی دیگر و زمانی دیگر همانگونه که خورشید از پشت ابر ها بیرون میآید شیر و خورشید پنهان شده در پشت گچ ها و سیمان ها و در دل میهن پرستان باز هویدا شوند و چشم ایرانیان ملت گرا را نوازش دهند.

باشد که نماد سه هزار ساله ایران یکبار دیگر در سخنان گهربار خود بجای نسبت دادن نماد شیر و خورشید به گروه و طبقه خاصی آنرا به عنوان یک نماد ملی، باستانی و تاریخی که بیش از ۲۵۰۰ سال قدمت آن است را به جایگاه اصلی خویش بازگردانند. چه این نماد یک نماد ملی است و با گفتن و منع حضور آن در جایی از ارزش ملی آن نمیکاهد.

شیر و خورشید نشانی تاریخی و فرهنگی است و ریشه در باور های ما در هزاره های گذشته دارد و بسی ژرف تر از آن است که ما آنرا به این و آن نسبت دهیم. درجایی که در درون ایران رستاخیز کنندگان به زبان بی زبانی شیر و خورشید را نماد ملی دانسته و شعاری هماننده «ما شیریم و خورشید پشت ماست» مینویسند شایسته نیست بر ضد خواست همگانی سخنی دیگر رانده شود.

ایرانی میهن پرست این نشان را به شخص یا قبیله خاصی منسوب نمی نماید.

ایران نیز همانند بسیاری کشورهای جهان تا سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۷) دارای سه پرچم بود:

۱- پرچم رسمی ملی دولت ایران

۲- پرچم نظامی

۳- پرچم مدنی

ویک پرچم هم با عنوان پرچم شاهنشاهی با رنگ آبی و پرچم سه رنگ در گوشه آن با نماد پادشاهی ایران که ویژه پادشاه بود.

پرچم رسمی و ملی دولت ایران دارای سه نوار سبز در بالا، سفید در میانه و سرخ در پایین که هر سه به پهنا و درازای مساوی بودند بالای هم قرار گرفته بود و در وسط نوار سفید نماد ملی شیروخورشید که شمشیری در دست راست داشت و رو به میله پرچم نگاه میکرد.

پرچم رسمی نظامی ایران افزون بر نماد شیروخورشید نماد تاج هم ربالای خورشید، شیر خودنمایی میکرد و شاخه زیتون در دو سوی نشان شیروخورشید بود. این پرچم در ارتش و رژه های رسمی و در بالای ساختمان های اداری بکار میرفت.

پرچم مدنی ایران گاهی بدون نشان شیروخورشید از سوی مردم در کنار مغازه هایشان بکار میرفت. گاهی در تزئین ها بکار بسته میشد.

در سال ۱۹۵۷ میلادی تصویبنامه ای بدستور دکتر منوچهر اقبال نخست وزیر وقت به آگاهی مردم رسانید که پرچم رسمی و ملی ایران را توضیح میداد:

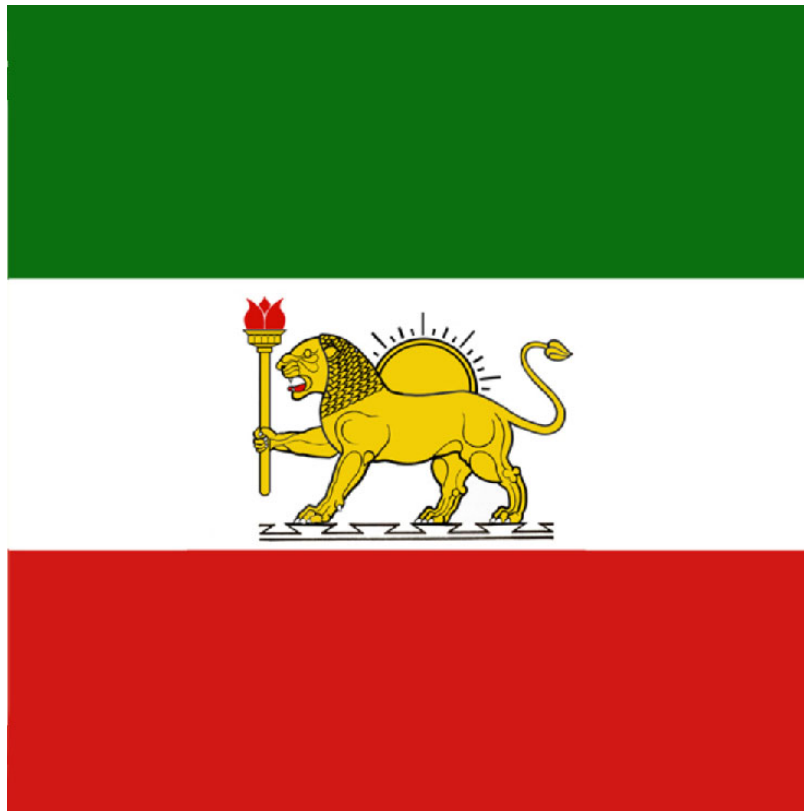
رنگهای پرچم ایران به سه رنگ مساوی سبز و سفید و سرخ بصورت افقی و نشان شطروخورشطد تشکیل میشود که رنگ سبز در بالا، رنگ سفید در میان و رنگ سرخ در پایین قرار میگیرد.

نشان شیروخورشید به رنگ زرد زرین در میان پرچم به روی رنگ سفید آنگونه نقش میشود که سر شیر به سوی چوبه پرچم و شمشیر بطور عمودی در دست راست شیر باشد و پاهای شیر به سوی رنگ سرخ، دم شیر به شکل قلاب و نگاه شیر رو به بیننده باشد.

خورشید نیم برآمده در پایین گردن و میان کمر شیر قرار گیرد و پرتو های آن میباید به سوی بالا و دوسوی چپ و راست پرچم افشان شود.

آرزوی نگارنده بر آن است که روزی بجای شمشیر که نماد خونریزی و نماد علی است که در دوران مشروطه به دست شیر و خورشید ایرانی داده شود یا بکلی برداشته شود یا بصورت مشعل که نماد فرهنگ ملی ایران، آتش که پدیده ای مهم در تاریخ بشری، و نمادی است که بسیاری از گذشتگان ما به پاسداری از آن پرداخته اند؛ نماد دانش و المپیک که نماد کنار

هم قرار گرفتن میباشد؛ چرا که هرکجا آتش هست مردم در کنارش گرد می‌آیند بصورت زیر در کشور نجات یافته ما بکار برود.



ح-ک

۷ اکتبر ۲۰۰۹

۱۵ مهر ۲۵۴۸